

گزارشی از

شماره اول

# دایرة المعارف فقه مقارن

تألیف آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

روح‌الله روح‌الله دانشجوی کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی  
r.roohollahi@gmail.com

اشاره:



مقاله حاضر به معرفی جلد اول دایره‌المعارف فقه مقارن تألیف آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی و جمعی از محققان می‌پردازد. این اثر ویژگی‌های منحصر به فردی داشته و تا کنون اثری در این ارتباط با این ویژگی‌ها (که بیان خواهد شد) تألیف نگردیده است. نوشتن این اثر به زبان فارسی و به صورت دایره‌المعارف به شیوه نوین، از امتیازاتی است که باعث می‌شود دانشجویان و دانشگاہیان نیز به راحتی از این اثر بهره‌مند گردند. بنا به توضیحات مذکور برآنیم که در این

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی





ارتباط نزدیک فرق  
اسلامی با یکدیگر و  
نشر آثار هر مذهب  
از طریق کتب و  
اخیرا اینترنت و  
امثال آن، از یک  
سو و پیوندهای  
تاریخی فقه مذاهب  
با یکدیگر از سوی  
دیگر، ایجاد می‌کند  
که پیروان هر مذهب  
از مذاهب اسلامی  
فقه خود را در کنار  
فقه دیگر مطالعه  
کنند. این آگاهی  
از یک سو سبب  
حل بسیاری از  
پیچیدگیهای مسائل  
فقهی می‌شود؛ چرا  
که فقه مقارن کمک  
شایانی به ریشه‌یابی  
مسائل مختلف  
فقهی و ابهام‌زدایی  
می‌کند و از سوی  
دیگر موجب نزدیکی  
مذاهب اسلامی و  
علمای آن به یکدیگر  
و تقریب خواهد شد

نوشتار گزارشی مفصل از این اثر ارائه نمائیم. لازم به توضیح است جناب آقای محمداصادق اردلان با راقم این سطور در چهار فصل از این نوشتار، همکاری داشته است.

### چرا فقه مقارن؟

فقه مقارن تلاطم علم الخلاف یا علم الخلافیات است که از علوم متداول حوزه‌های علمیه قدیم بوده است. (۱) ابن خلدون در تعریف فقه مقارن این چنین می‌گوید: «میان پیروان مذاهب، مناظراتی روی می‌داد که مأخذ پیشوایان فقه و انگیزه‌های اختلاف و مواقع اجتهاد آنان بیان می‌شد، اینگونه دانش را خلافیات می‌نامیدند» (۲)

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی درباره ضرورت فقه مقارن می‌نویسد:

«ارتباط نزدیک فرق اسلامی با یکدیگر و نشر آثار هر مذهب از طریق کتب و اخیرا اینترنت و امثال آن، از یک سو و پیوندهای تاریخی فقه مذاهب با یکدیگر از سوی دیگر، ایجاد می‌کند که پیروان هر مذهب از مذاهب اسلامی فقه خود را در کنار فقه دیگر مطالعه کنند. این آگاهی از یک سو سبب حل بسیاری از پیچیدگیهای مسائل فقهی می‌شود؛ چرا که فقه مقارن کمک شایانی به ریشه‌یابی مسائل مختلف فقهی و ابهام‌زدایی می‌کند و از سوی دیگر موجب نزدیکی مذاهب اسلامی و علمای آن به یکدیگر و تقریب خواهد شد (۳) ... لازم است فقههای مذاهب اسلامی در جلساتی در کنار هم بنشینند و به بررسی مسائل مشترک فقهی بپردازند و این امر اگرچه به مقدار محدودی در حال حاضر انجام یافته که نمونه آن در نشستهای «مجمع فقه اسلامی» که در جده مستقر است، مشاهده می‌شود، ولی قطعا کافی نیست.» (۴)

### ویژگیهای این دایره‌المعارف:

۱. تهیه و تنظیم براساس فقه ترتیبی. این بدان معناست که ترتیب الفبایی در این موسوعه وجود ندارد. نبود ترتیب الفبایی برای این دایره‌المعارف را نمی‌توان عیب محسوب نمود؛ چرا که فهرستهای بسیار کامل و گوناگونی در پایان کتاب وجود دارد.  
۲. توجه به آراء و دیدگاههای تمامی مذاهب اسلامی.

۳. توجه ویژه به مسائل مستحدثه و نوین. توجه به این امر از ویژگیهای بسیار مهم این دایره‌المعارف است که ناشی از اهمیت آیت الله مکارم شیرازی به این مسائل است. (۵)

۴. توجه به آیات الاحکام در تمامی مباحث.

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رسال جامع علوم انسانی

۵. مطرح نمودن قوانین و مقررات دنیای غرب و توجه خاص به آنها.

۶. مطرح نمودن قواعد اصولی و فقهی و رجالی به تناسب مسائل گوناگون. از آنجا که آیت‌الله مکارم شیرازی سالها پیش کتاب «القواعد الفقهیه» را تألیف نمودند، آثار آن تألیف بر این دایره‌المعارف نمودار است. (۶)

۷. ذکر نمودن مسائل و قوانینی که ذکر آنها چندان ضرورتی ندارد. این بینش و روش درست در سایر آثار آیت‌الله مکارم شیرازی وجود دارد. (۷) به عنوان مثال چه فایده بسیار مهمی وجود دارد که مسئله «بردگی» که منتفی شده است هنوز در متن درسی رسمی طلاب قرار دارد؟

۸. توجه نمودن به مسائل مستحدثه و ضروری. این امر یکی از راههای تکمیل کتب فقهی - اصولی پیشینیان به حساب می‌آید؛ چرا که علمای پیشین به دلیل عدم وجود این مسائل به آنها نپرداخته‌اند. به عنوان مثال مسئله بیمه، مسئله‌ای مربوط به دوران معاصر است و در کتب علمای پیشین وجود ندارد.

۹. پاسخگویی به پرسشها و ایراداتی که بر احکام اسلامی در موارد مختلف (مثل مباحث مربوط به ارتداد، حقوق زن) و غیره وارد گردیده است.

۱۰. رعایت نمودن تناسب در پردازش مطالب؛ به گونه‌ای که ایجاز مخل یا اطناب صورت نگرفته است؛ بلکه «ایجاز غیر مخل» صورت گرفته است.

۱۱. از ویژگیهای مهم دیگر این دایره‌المعارف ذکر فلسفه احکام می‌باشد و این امر متناسب با نیازهای امروزی نسل جوان است. نسل جوان می‌پرسد: چرا باید نماز بخواند؟ چرا باید «حج» برود؟ و هزاران چرای دیگر ...

۱۲. توجه به اصول روش تحقیق از دیگر ویژگیهای این اثر است، چه بسیار آثاری که در آنها خبری از مشخصات شناسنامه‌ای منابع و مأخذ وجود ندارد. ولی در این موسوعه مشخصات منابع و مأخذ به‌طور کامل ذکر گردیده است و ...

۱۳. فهرستهای بسیار مناسب در پایان موسوعه وجود دارد: فهرست آیات، فهرست روایات، فهرست اشخاص، فهرست اماکن، فهرست قبایل و فهرست منابع که در نوع خود مفید است.

۱۴. استفاده از منابع لاتین از ویژگیهای این موسوعه است که متأسفانه در آثار اندکی از نویسندگان اسلامی دیده می‌شود.

### تذکر:

به نظر می‌رسد که علی‌رغم ویژگیهای مثبت فراوان، ضعفهای ذیل نیز به این موسوعه وارد است:

۱. متأسفانه در هیچ‌کجای این موسوعه، تعریف فقه مقارن، ارائه نشده است و این در حالی است که بر اساس نام گذاری این دایره‌المعارف به فقه مقارن، می‌بایست تعریف جامعی از فقه مقارن صورت می‌گرفت. پیشنهاد ما این است که حداقل تعریف این‌خلدون در چپهای بعدی یا مجلدات بعدی وارد این دایره‌المعارف شود.

۲. متأسفانه هیچ‌یک از نویسندگان در این دایره‌المعارف از اهل تسنن نیستند؛ در حالیکه اگر در آن از دانشمندان اهل سنت استفاده می‌شد، بر اعتبار دایره‌المعارف افزوده می‌گردید.

### فصل ۱- فقه در لغت و اصطلاح

آیت‌الله العظمی مکارم در جلد اول دایره‌المعارف فقه مقارن، فصلی را اختصاص به «فقه در لغت و اصطلاح» داده‌اند.

ایشان در ابتدا به بررسی لغوی فقه می‌پردازند و می‌نویسند:

«در نگاه بدوی و مراجعه ابتدایی به کلمات و تعبیرات کثیری از اهل لغت، به نظر می‌رسد که «فقه» به معنای مطلق فهم باشد و این معنا از تعبیراتی همانند گفته‌های ذیل استفاده می‌شود:

«الفقه، الفهم، قال اعرابی لعیسی بن عمر: شهرت علیک بالفقه» (۸)

«الفقه، بالكسر العلم بالشی و الفهم له الفطنه له» (۹)

«الفقه، فهم الشی» (۱۰)

با تأمل و بررسی عبارات لغویانی که در مقابل تعیین تفاوت‌های ظریف بین واژگان متشابه برآمده‌اند و فروق اللغة را تدوین کرده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را «فقه» گویند. و اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم باید به جای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده کنیم و بگوییم: با مراجعه به فروق اللغة، به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست؛ بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را «فقه» گویند... (۱۱) (۱۲)

مؤلف محترم پس از بررسی فقه در فرهنگ قرآنی و عصر صحابه؛ به بررسی فقه در اصطلاح فقها و اصولیین پرداخته است و می‌گوید:

«...در کلمات کسانی چون شافعی فقه به «علم به احکام شرعیه عملیه‌ای که از طریق ادله تفصیلیه به دست می‌آید» (۱۳) تعریف شد و تقریباً عین همین تعبیر در کلمات فقها و اصولیین فریقین به چشم می‌خورد (۱۴) ... به هر حال در اصطلاح اصولیین و فقها، فقه مجموعه‌ای از قوانین، دستورات و

از ویژگیهای این دایره‌المعارف، تهیه و تنظیم براساس فقه ترتیبی است. این بدان معناست که ترتیب الفبایی در این موسوعه وجود ندارد. نبود ترتیب الفبایی برای این دایره‌المعارف را نمی‌توان عیب محسوب نمود؛ چرا که فهرستهای بسیار کامل و گوناگونی در پایان کتاب وجود دارد





با تأمل و بررسی عبارات لغویانی که در مقابل تعیین تفاوت‌های ظریف بین واژگان متشابه برآمده‌اند و فروق اللغة را تدوین کرده‌اند به این نتیجه می‌رسیم که «فقه» در لغت، مطلق فهم نیست؛ بلکه موشکافی و ریزبینی و فهم دقیق را «فقه» گویند. و اگر بخواهیم دقیق‌تر سخن بگوییم باید به جای «فهم دقیق» از واژه «ادراک دقیق» استفاده کنیم و بگوییم: با مراجعه به فروق اللغة، به این نتیجه می‌رسیم که فقه در لغت، مطلق علم به یک شیء و ادراک آن نیست؛ بلکه ریزبینی و ادراک دقیق را «فقه» گویند

«شیوه نامه» عبودیت باری تعالی دانسته‌اند. سپس به موضوع رابطه فقه و روشنگری حدود و مرزهای الهی پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که فقه مبین حدودها، است و آن را به منزله خط قرمز دانسته‌اند.

#### اهمیت فقه از دیدگاه روایات:

در روایات فقه از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن را به عناوینی چون: ستون دین، بالاترین عبادت، بصیرت در حلال و حرام دینی، خیر، فریضه هر مسلمان (فریضه‌ای که دربر دارنده چندین ثواب است) عنوان کرده‌اند. در ادامه روایاتی بیان شده است که بر اهمیت یادگیری فقه تأکید دارند و جایگاه والای فقه را بیان می‌کنند و به ترغیب مومنان درباره حفظ احادیث متواتر در زمینه فقهی می‌پردازد.

لازمه اخلال در فقه، اخلال در دو رکن دیگر دین (اعتقادی و اخلاقی) است:

با اخلال در رکن تشریحی (فقه) دو رکن دیگر هم دچار اخلال می‌شوند. در ادامه با استناد به آیات و احادیث بیان می‌شود که ایمان به همراه عمل صالح است و این مهم بدون تحصیل فقه امکان‌پذیر نیست.

#### تأثیر اعتقادات و اخلاق در مسائل فقهی:

در اینجا برای تأیید بیشتر بخش قبل، نکات اخلاقی و مسائل اعتقادی در فقه اشاره شده است.

#### تأثیر اعتقاد و اخلاق در استنباط:

در این بخش به این مسئله می‌پردازد که فقیه باید دارای ایمان قوی و مقام عدالت اخلاقی باشد تا استنباط‌های او با دقت و خالی از تعصب و بی‌طرفانه باشد و در قبال استنباط‌هایش، خویش را در برابر باری تعالی مسئول بداند و در ادامه با ذکر روایاتی از بزرگان به این نکته اشاره می‌کند که فقها باید مقاصد شریعت را مدنظر خویش قرار دهند.

امرونی‌هایی است که فقیه، از منابع و ادله تفصیلی آن استنباط می‌کند و موضوع عملی بندگان را در برابر خالق رقم می‌زند و به او می‌آموزد که چه عکس‌العملی در مقابل مولای حقیقی‌اش داشته باشد. به بیان دیگر: اگر غرض از خلقت انسان، عبودیت است: «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۱۵) فقه، طریق عبودیت و بندگی را تعیین می‌کند و راه عملی آن را به بنده می‌آموزد و بر همین اساس به آن «شریعت»- و «منهاج»- به معنای راه- نیز گفته می‌شود» (۱۶) مؤلف محترم سپس به موضوع اجتهاد در مقابل نص و نظرات گوناگون درباره آن می‌پردازد. در پایان فصل واژگان مرتبط با فقه مطرح می‌شوند (دین و شرع).

**الف. دین:** مؤلف در ذیل واژه دین پس از مطرح ساختن بحث لغوی تبیین می‌نماید که این واژه چه در فرهنگ قرآنی و روایی و چه در عرف متشرعین، به معنای بصیرت در مجموعه دین اعم از عقاید و اخلاق و احکام است.

**ب. شرع، شریعت:** آیت‌الله مکارم شیرازی شرع را در استعمال عرفی (و تعبیراتی نظیر شرع مقدس) به معنای آنچه خدا آن را وضع کرده، اعم از عقاید و اخلاق و احکام، دانسته است. ایشان معنای شریعت را نیز معادل «شرع» می‌دانند و می‌افزایند که مراد از شریعت در آیه ۱۸ سوره جاثیه نیز همین معنا است و البته در اصطلاح فقها خصوص احکام فرعی عملی از آن اراده می‌شود که در این صورت کاملاً مرادف با معنای اصطلاحی «فقه» است.

#### فصل دوم- اهمیت فقه اسلامی از دیدگاه آیات و روایات

در این فصل مؤلفین محترم به موارد زیر اشاره کرده‌اند:

#### فقه شیوه نامه عبودیت:

در این بخش با استناد به دلایل قرآنی فقه را



افراط در تعیین قلمرو فقه، آن است که حتی در مسائل جزئی زندگی هم برای آن نقشی قائل شویم همانند آنچه از بعضی مشایخ صوفیه نقل شده است: این گونه افکار بیان می‌دارد که انسان کفایت اداره زندگی را در هیچ حوزه‌ای ندارد و حکم هر کاری را باید در شریعت پرس و جو کند در صورتی که فقه قوانینی را در برمی‌گیرد که در هدایت انسان تأثیر دارد

### تأثیر فقهت و اجتهاد در دیگر علوم اسلامی:

پایه اصلی علوم اسلامی، کتاب و سنت است. بر همین اساس آگاهی داشتن به علم رجال و بخش عمده‌ای از علم اصول (پیش نیازهای فقه اسلامی) برای اجتهاد و استنباط در علوم دیگر اسلامی ضروری است.

### فصل سوم

در این فصل به بیان گستردگی فقه پرداخته می‌شود و بیان می‌گردد که فقه، همه عرصه‌های زندگی بشر را در بردارد، به شرطی که فقها به جای باریک بینی، درباره مسائل و موضوعات شناخته شده به مسائل جدید زندگی بپردازند. به گفته محمد باقر صدر: «سیر عمودی حرکت‌های فکری خودشان را که از حدّ اعلاّی دقت برخوردار است، به سیری افقی دگرگون سازند» (۱۷)

بعضی از این مسائل عبارتند از:

#### ۱. قلمرو فقه تاریخ قلمرو شریعت:

فقه، علم شناخت شریعت دینی است و شریعت در همه عرصه‌ها به مرزبندی و قانونگذاری پراخته است. پس می‌توان گفت رساله عملیه فقها رساله زندگی در تمام ابعاد است.

در ادامه بیان می‌شود که باید حوزه‌ها و قلمروهای شریعت را به طور کامل شناخت و فهمید مقاصد شریعت و حوزه‌هایی از زندگی که به هدایت دینی نیاز دارد چیست؟ که مؤلفین به توضیح هر کدام به طور مفصل پرداخته اند.

#### ۲. قوانین امضایی:

اسلام بسیاری از قوانین اجتماعی (جز در مواردی که مخالف اصول اخلاقی و عدالت اجتماعی بوده است) و سیاست را به رسمیت شناخته و پذیرفته است و تعهداتی برای آن اعلام کرده است.

### ۳. مقتضای اصل اولی در روایات معصومان بر شمول و جاودانگی است:

روایات صادره از پیامبر (ص) و امام اهل بیت (ع) از اقسام مختلف برخوردارند. بسیاری از این روایات همگانی دائمی اسلام است که تغییر ناپذیر است. بخش دیگری که بسیار محدود است، احکامی که مقطعی بوده و مختص زمان و مکان خاصی بوده است.

بخش سوم: در بر گیرنده کلماتی از آن پیشوایان است که دال بر راهنمایی عادی و معمولی بوده و در ادامه با استناد به آیات توضیح می‌دهد که شک در مقتضای اصل اولی را رد می‌کند.

#### ۴. افراط و تفریط در تعیین قلمرو فقه:

**افراط:** اینکه در تعیین قلمرو فقه زیاده‌روی کنیم حتی در مسائل جزئی زندگی هم برای آن نقش قائل شویم همانند آنچه از بعضی مشایخ صوفیه نقل شده است: این گونه افکار بیان می‌دارد که انسان کفایت اداره زندگی را در هیچ حوزه‌ای ندارد و حکم هر کاری را باید در شریعت پرس و جو کند در صورتی که فقه قوانینی را در برمی‌گیرد که در هدایت انسان تأثیر دارد.

**تفریط:** اینکه بگوییم که فقه فقط موازین و ارزشهای کلی مربوط به هدایت را بیان کرده است و هیچ دخالتی در شیوه ساماندهی و ساخت زندگی بشر نکرده است. این نظریه متأثر از مسیحیت کنونی است و برخلاف نظر فقها است.

#### فصل چهارم - بر تریبهای فقه اسلامی:

##### ۱. فقه بر تری خالق عقل بر عقل:

در قوانین الهی، قانونگذار خداست و خداوند چون آفریننده انسان و عقل اوست بنابراین، بر همه نیازهای بشر، اشراف کامل دارد؛ هوی و هوس بر او بی تأثیر است؛ چیزی او را از بیان حق باز نمی‌دارد؛

#### پیش در آمدی بر مکتب شناسی فقهی

گفتگو باجمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

به کوشش: سعید ضیایی فر

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تعداد صفحات: ۴۱۶

قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال



کتاب حاضر از میان حوزه‌های کلان مطالعاتی فوق به مبحث مکتب شناسی فقهی پرداخته

است، باید اذعان کرد در گشودن و هموار کردن راه اجتهاد به سمت پاسخگوتر شدن، سهم عمده‌ای از ایفاء نقش بر عهده مباحثی است که در زیر عنوان مکتب شناسی سامان می‌پذیرند.

حداقل پنج محور اساسی را به شرح زیر می‌توان برای مطالعات مکتب شناسانه ارائه کرد:

#### محور اول: کلیاتی در مکتب شناسی فقهی

- ماهیت شناسی بحث از مکتب فقهی

(بحث از چه ماهیتی برخوردار است؟ اصولی، فلسفه اصولی یا فلسفه فقهی؟)



مجاز آنها پیش متناسب با جرم است؛ از روحيات انسان و عواطف حاکم بر آنها آگاهی کامل دارد و در ابلاغ آن تدریج و تدرج را رعایت می‌کند؛ پس قوانین الهی از قوانینی که انسان وضع می‌کند، بسیار برتر است.

#### ۲. هماهنگی فقه اسلامی با فطرت:

قوانین فقه اسلامی با فطرت افراد کاملاً هماهنگ است و به نیازهای فطری انسان پاسخ می‌دهد.

#### ۳. شمول فقه نسبت به دو حوزه فرد و اجتماع:

فقه علاوه بر قوانین اجتماعی، در بر گیرنده یکسری قوانین فردی است که مربوط به فرد است؛ چرا که جامعه سالم در گرو فرد سالم است و فقه با استفاده از یکسری قوانین وضعی در قالب واجب، حرام، مستحب و مکروه فرد را سالم بار می‌آورد تا جامعه‌ای سالم بسازد.

#### ۴. آمیختگی «فقه» و «اخلاق»:

اکثر قوانین فقهی ارتباط مستقیم با اخلاق فردی و اجتماعی دارد.

#### ۵. کاربرد بودن قوانین اسلام:

قوانین فقه مثل قوانین قضایی دست و پاگیر نیستند و دادگاه را از بسیاری از تشریفات بی‌نیاز کرده است و با قوانینش احتمال خطا در قضاوت را کم کرده است.

#### فصل پنجم - ادوار فقه اسلامی

در این فصل به تاریخ علم فقه پرداخته شده و به بررسی دوره‌های فقهی، فقه اهل بیت و فقه اهل سنت را بررسی کرده و دوره‌های زیر را نام برده است.

#### دوره‌های فقهی فقهای اهل بیت (ع):

فقه شیعه همان فقه اهل بیت (ع) است که از دامان رسالت برخاست و به دست اهل بیت رسول خدا (ص) رشد و نمو یافت.

در ادامه به بیان ویژگیهای فقه اهل بیت پرداخته است که به اختصار به بیان برخی از آن موارد

می‌پردازیم:

**عمل به فقه اهل بیت (ع) مجزی است:** در اینجا با استناد به حدیث متواتر تقلین بیان می‌شود که فقه اهل بیت مجزی و سبب نجات مکلفان خواهد بود. از ویژگیهای فقه اهل بیت به انفتاح باب اجتهاد و رشد و بالندگی و حریت و آزادگی اشاره شده است و سپس فقه شیعه را به ۹ دوره تقسیم کرده است:

#### دوره اول:

پس از رحلت رسول خدا با توجه به گسترش اسلام، لازم بود به پرسشهای تازه پاسخ داده شود که رسول خدا (ص) برای حل این مسئله، اهل بیت را در کنار قرآن کریم به عنوان مرجع علمی پس از خود معرفی کرد و تلاشهای اهل بیت را می‌توان در چند فصل بررسی کرد:

#### فصل اول: تدوین کتاب

نخستین کتاب فقهی و دینی، توسط امیرمؤمنان علی (ع) تدوین شده است و در ادامه نام برخی از شاگردان علی (ع) که به تدوین کتاب همت گماردند، ذکر شده است.

#### فصل دوم: مهم‌ترین فقهای اهل بیت در این دوره امامان هستند.

**الف. امامان اهل بیت:** از مهم‌ترین فقهای اهل بیت که امام علی (ع) سرسلسله فقیهان است، می‌توان به امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، در زمان فشارهای حکومت بنی‌عباس امام کاظم (ع) و امام رضا (ع)، امام جواد (ع) و امام حسن عسگری (ع) و امام مهدی (ع) اشاره کرد.

#### ب. فقهای عصر امامان اهل بیت (ع):

این بخش به ترغیب و تشویق برخی از شاگردان توسط فقها نسبت به اجتهاد می‌پردازد و یادآور می‌شود که با توجه به فشارهای خلفای اموی و عباسی، آنها

آیت‌الله مکارم شیرازی شرع را در استعمال عرفی (و تعبیراتی نظیر شرع مقدس) به معنای آنچه خدا آن را وضع کرده، اعم از عقاید و اخلاق و احکام، دانسته است. ایشان معنای شریعت را نیز معادل «شرع» می‌دانند و می‌افزایند که مراد از شریعت در آیه ۱۸ سوره جاثیه نیز همین معنا است و البته در اصطلاح فقها خصوص احکام فرعی عملی از آن اراده می‌شود که در این صورت کاملاً مرادف با معنای اصطلاحی «فقه» است

- فوائد کتب شناسی فقهی

- تاریخ طرح مکتب شناسی فقهی و بحث از آن

...

**محور دوم: ماهیت، پیشینه، جایگاه و کارکرد مکتب فقهی**

#### الف. ماهیت

- تعریف مکتب فقهی و تفاوت آن با مکتب اصولی، مدرسه فقهی، سبک فقهی و...

- مقومات مکتب فقهی

- ویژگیهای مکتب فقهی

#### ب. تاریخ تطور مکاتب فقهی

#### ج. جایگاه مکتب فقهی

- جایگاه در استنباط

- جایگاه قابل پیشنهاد جهت تعبیه در نظام آموزشی فقه (جایگاه در درس خارج)

#### د. کارکرد مکتب فقهی

- چارچوبی فعال، کارآمد و شفاف بودن برای نقد فقه



**عصر رکود**  
فقهی از اواسط  
قرن هفتم آغاز و تا  
اواخر سده سیزدهم  
ادامه داشت و در  
واقع ادامه دوره قبل  
است. در همین دوره  
است که مسلمانان  
از غرب مورد حمله  
صلیبیون و از شرق  
تحت سیطره مغول  
قرار می‌گیرند.  
تنها ویژگی این  
دوره حکومت تفکر  
تقلیدی بود

توانستند به تربیت شاگردان زیادی بپردازد و در ادامه به ذکر تعدادی از فقهای برجسته و معروف مکتبهای اهل بیت می‌پردازد.

### دوره دوم: عصر شکل‌بندی و تبویب فقه

این دوره، زمانی است که فقه اهل بیت(ع) بدون هیچ شکل‌بندی تغییر کرد و یا تبویب عرضه شد و در این دوره فقه اهل بیت(ع) از سه مدرسه تشکیل شد:  
**الف:** مدرسه قم و ری که تنها به نصوص تمسک می‌جستند و از آن به استدالات عقلی تعدی نمی‌کردند. صدوق پدر و پسر از بزرگان این مدرسه بودند.

**ب.** مدرسه عمانی و اسکافی: که در این مدرسه به استدالات عقلی نیز تمسک می‌کردند. از بزرگان این مدرسه می‌توان جناب حسن بن علی بن عقیل عمانی و ابوعلی بن محمد بن جنید اسکافی را نام برد.

**ج.** مدرسه بغداد: این مدرسه میان آن دو شیوه مدارس ذکر شده است که شیخ مفید آن را به وجود آورد.

**توجه:** این دوره، آغاز تدوین فقه مقارن نیز محسوب می‌شود.

### دوره سوم: عصر تحوّل در عرصه فقهت و اجتهاد

این دوره با شیخ طوسی که به اجبار از بغداد به نجف اشرف هجرت کرد و حوزه علمیه آنجا را تأسیس کرد، آغاز می‌شود. در این دوره کتب فقهی تغییر یافت و فروعات تازه‌ای بر آن افزوده شد این تحوّل یا نوشتن کتاب مبسوط توسط شیخ طوسی به وجود آمد که این تحوّل بسیار حائز اهمیت است.

از ویژگیهای این دوره می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:  
۱. کنار گذاشتن سنت گذشتگان در تدوین کتب

فقهی.

۲. توجه گسترده‌تر به فقه مقارن یا تألیف کتاب «خلاف» شیخ طوسی.

۳. ورود «اجماع» به ادله فقه.

۴. به وجود آمدن و ورود گسترده «علم اصول فقه» به عرصه فقه یا تألیف کتاب «عده‌الأصول» شیخ طوسی.

مؤلفین بیان داشته‌اند که شیخ طوسی مهمترین نقش را برای به وجود آمدن این دوره داشته است و خدمت بزرگی به فقها در مسیر استنباط احکام کرده است.

### دوره چهارم: عصر رکود و تقلید

در این عصر به دلیل اهمیت علمی شیخ طوسی، فقهت و اجتهاد رو به رکود گرایید؛ چرا که همه افراد به تقلید از او پرداختند و تا سالها فقیهی به صدور فتوایی خلاف فتاوی شیخ طوسی نمی‌پردازد.

### دوره پنجم: عصر تجدید حیات فقهی اهل بیت

در این عصر فقها شروع به نقد افکار شیخ طوسی کردند و نشاط دوباره به جمع فقها بازگشت، پرچمدار این دوره، محمد بن ادريس حلی است. در این دوره حسن بن یحیی بن سعید حلی معروف به «محقق حلی» ابتکاری در تقسیم فقه به خرج داد و آن را به: عبادت، عقود، ایقاعات و احکام تقسیم کرد.

از فقهای مهم این دوره می‌توان از علامه حلی، محمد بن مکی عاملی معروف به «شهید اول» علی بن الحسین عاملی کرکی معروف به «محقق ثانی» و «محقق کرکی»، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی»، احمد بن محمد اردبیلی معروف به «محقق اردبیلی» یا «مقدس اردبیلی»،

- چارچوبی برای فعال و کارآمد بودن برای پاسخگویی به نیازهای زمان  
- موارد دیگر

**محور سوم: مباحث نظری مبنی بر شکل‌گیری، تعدد پذیری و زوال یابی مکاتب فقهی**  
**الف: شکل‌گیری**

**ب. تعدد پذیری مکتب فقهی**

**ج. زوال یابی مکتب فقهی**

### محور چهارم: ظرفیتهای مکتب فقهی

- ظرفیت مکتب فقهی جهت پذیرش نوآوری علمی  
- ظرفیت انعطاف پذیری علمی در مکتب فقهی جهت قالب پذیری هماهنگ با وضعیتهای جدید و پیشرفته نظام آموزشی.

### محور پنجم: نقد مکتب فقهی

- آیا می‌توان مکتب فقهی را اثبات کرد؟ (وگفت این مکتب درست است و یا درست نیست) بر اساس چه معیاری؟ و یا صرفاً ابطال یا

و محمدبن علی بن حسین موسوی عاملی معروف به «صاحب مدارک» نام برد. از ویژگیهای این اصل شکسته شدن عصر تقلید از گذشتگان به طور کامل، تألیفات فراوان در زمینه فقه و اصول فقه، به رسمیت شناختن مذهب شیعه و نقل فقه از مسائل شخصی به اجتماعی نام برد.

**دوره ششم: عصر پیدایش حرکت اخباری گری**  
پس از رشد و بالندگی فقه امامیه حرکتی به نام اخباری گری و نادیده انگاشتن عقل در طریق استنباط آغاز شد، اخباری گری برای عقل هیچ وزن و جایگاهی قائل نبود و بر اجتهاد و تقلید نیز خط بطلان کشید و آن را راه خطا شمرد. پرچمدار این حرکت محمد امین استرآبادی شاگرد میرزا محمد استرآبادی است. که در ادامه افکار وی آورده شده است. من جمله حجیت کتاب الله و نیاز به بررسی نداشتن همه‌ی روایات کتب اربعه سخت گیری جمعی از فقها در امر حدیث و توجه بیشتر به عقل و استدلالات عقلی از مهم ترین علت پیدایش این تفکر دانسته اند.

از فقههای اخباری می توان از ملا محمد تقی مجلسی «مجلس اول»، محمدبن حسن حرّ عاملی، علامه محمد باقر مجلسی نام برد. اخباری گری هم آثار مثبت و هم منفی داشته است.

#### آثار منفی:

۱. تشّت فقها.
۲. کثرت مجادله اخباریون با اصولیین.
۳. مخالفت با ادله عقلی در عرصه استنباط مسائل فقهی.
۴. بی توجهی به علم اصول.

#### آثار مثبت:

۱. به تدوین جوامع حدیثی توسط اخباریون.

۲. تدوین تفاسیر روایی.

#### دوره هفتم: عصر تجدید حیات اجتهاد در عرصه فقه:

این دوره از اواخر قرن دوازدهم آغاز گردید و تا سال ۱۲۶۰ ادامه یافت. در اواخر سلطه اخباریون، عالم محقق مرحوم وحید بهبهانی در برابر تفکر اخباری گری ایستاد. مرحوم وحید بهبهانی با تألیف کتاب فوائدالمائریه در پاسخ به کتاب فوائدالمدنیه استرآبادی، و نیز با تألیف چندین کتاب دیگر به رد آراء اخباری گری پرداخت و با تربیت شاگردان متعدّد، بار دیگر علم اصول به حوزه های علمیه برگشت.

#### دوره هشتم: عصر نوآوریهای فقهی

این دوره از نیمه سده سیزدهم آغاز شد. بزرگ این دوره، شیخ مرتضی انصاری است. وی در کتاب اصولی خود به نام «الفرائد» که مشهور به «الرسائل» است، ابداعات اصولی زیادی را عرضه نمود و در فقه نیز کتاب مهم و ارزشمند «المکاسب» را نوشت.

ویژگیهای این دوره عبارتند از: تنظیم ویژه مباحث اصولی، نوآوریهای فقهی، اهتمام گسترده به عبادات و عقود، پیدایش «تقریرات» در فقه و اصول و پیدایش رساله های عملیه به شکل جدید.

#### دوره نهم: عصر ورود فقه به عرصه های گوناگون اجتماعی

مصنف ضمن تأکید بر پیوند فقه با حکومت و سیاست به کم توجهی فقها به مسائل سیاسی و حکومتی اشاره می کند و آن را معلول نبودن حکومت در دست شیعه (در بیشتر مواقع تاریخی) می داند.

پس از بحث مذکور نگارنده می نویسد: نکته دیگری که در مباحث فقها کمتر مورد توجه قرار گرفته، اصل «عدالت اجتماعی» در فتوا است. پس از این بیان،

چهارمین منبع استنباط که اجمالاً مورد اتفاق است، دلیل عقل است. در میان اهل سنت دو شیوه متمایز در استنباط وجود دارد که آنان را با دو عنوان «اصحاب حدیث» و «اصحاب رأی» از هم جدا می سازد. تکیه گروه اول در استنباط، ادله نقلی است، ولی گروه دوم معتقدند که تعداد احادیث معتبری که بتواند جوابگوی همه نیازهای فقهی باشد، بسیار کم است. در مورد شیعه هم آنچه مسلم است، این است که عقل را به عنوان یکی از ادله استنباط، به ویژه از دیدگاه علمای متأخر، قبول دارد

اثبات می تواند به گزاره ها و اندیشه های مطرح در آن (هرچند به صورت حداکثری) متوجه گردد و نه بیشتر؟ و در صورت دوم (با وجود یک نقد حداکثری) مکتب در جایگاه فوق اثبات و ابطال قرار دارد؟ زیرا معیار وجود مکتب، پیرو داشتن (بنابر یک فرض) و یا بازتاب بودن در استنباط (بنابر فرض دیگر است) هرچند به نظر ما دیدگاههای شکل دهنده به آن نقدپذیر باشد.

#### – روش نقد و بررسی مکتب فقهی

(آیا نقد مکتب فقهی شاخصها و معیارهایی متفاوت با نقد فقهی رایج دارد؟)

– آیا می توان مکتب فقهی را فراتر از ارزیابی علمی (درستی و یا نادرستی مکتب یا گزاره های آن) بر پایه برخورداری از جنبه های کاربردی در نظام آموزشی، مطالعات استنباطی، پژوهشی و... ارزیابی کرد؟

– محورهای دیگر

آنچه گذشت محورهای بحثهای نظری از مکتب و در مواردی تاریخ بحثهای نظری در این زمینه است. غیر از بحثهای نظری و یا تاریخ بحثهای نظری، حوزه مطالعاتی دیگری وجود دارد که خود به خود به مجال ویژه نیازمند است و آن بررسی مکاتب شکل گرفته در گذشته و یا در دوره معاصر و تبیین مختصات و ویژگیهای هر یک است.

آنچه در این کتاب ارائه شده، گفتگوهایی علمی است که با عالمان حوزوی و دانشگاهی در حوزه مطالعاتی نخست یعنی مکتب شناسی (و نه شناسایی مکاتب شکل گرفته) انجام گرفته است. اگرچه برخی از مباحث زیرعنوان آنها در سطحی قابل توجه و به صورتی عالمانه و مفید مورد بحث قرار گرفته است.





سومین دلیل برای استنباط احکام، اجماع است. این دلیل از دیدگاه اهل سنت بسیار مهم است، ولی از دیدگاه امامیه، اجماع دلیل مستقلاً بر حکم شرعی اطلاق نمی‌گردد، مگر از آن جهت که کاشف از رأی معصوم است.

مصنف به حکومت صفویه و نقش علما در آن اشاره می‌نماید. همچنین به بررسی نقش علما در عرصه حضور استعمارگران در ایران و عراق می‌پردازد و در آخرین حلقه این سلسله از علما به امام خمینی اشاره می‌کند که او با طرح حکومت اسلامی و نظریه ولایت فقیه، مبارزه‌اش علیه استعمار را آغاز نمود. وی فقهایی همچون امام خمینی، شهید محمد باقر صدر، علامه طباطبایی و استاد مرتضی مطهری را از طلایه‌داران این عرصه می‌داند.

ویژگیهای مهم دوره نهم از دیدگاه مؤلف عبارتند از: جامعه‌نگری به جای فردنگری در عرصه فقهت، ورود فقهت به عرصه رهبری اجتماعی مسلمین، توجه به مسائل دنیای جدید، نفوذ مسائل فقهی در عرصه قانونگذاری، تدوین کتبی در عرصه حکومت و سیاست، احوال شخصیته و اقتصاد، تدوین موسوعات فقهی به شکل تازه.

#### دوره‌های شش‌گانه‌ی فقه اهل سنت:

نگارنده پس از ذکر نظرات گوناگون در ارتباط با تقسیم‌بندیهای فقه اهل سنت، این فقه را به شش دوره تقسیم می‌نماید.

#### دوره اول: عصر صحابه و تابعین

این دوره پس از رحلت رسول گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله) آغاز و تا اوایل قرن دوم ادامه یافت. پس از ارتحال رسول اکرم (ص) جمعی از مسلمانان برای عمل به احکام شرعی به اعمال صحابه و پس از آنها تابعین استناد جستند. ویژگی این دوره به وجود آمدن دو مدرسه حدیث و رأی و نظر بود.

#### دوره دوم: عصر ظهور مذاهب فقهی

این دوره از اوایل قرن دوم آغاز و تا اوایل قرن چهارم ادامه یافت. مؤلف، مذاهب این دوره را به دو گروه تقسیم می‌نماید:

۱. مذاهب منقرض شده فقهی که عبارتند از: مذهب حسن بصری، ابن ابی‌لیلی، اوزاعی، سفیان ثوری، لیث بن سعد، ظاهری و طبری.
۲. مذاهب منقرض نشده که عبارتند از: مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی.

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای این دوره این است که عقل‌گرایی و فتوا براساس رأی و نظر گسترش یافت.

#### دوره سوم: عصر توقف حرکت اجتهادی (یا عصر تقلید از مذاهب اربعه)

به نظر مؤلف بیشترین تأثیر را در انسداد باب اجتهاد هرج و مرجهای فقهی و کثرت مذاهب داشته است. این مسئله وحشت زمامداران را برانگیخت و آنها را به فکر انسداد باب اجتهاد و حصر مذاهب

فقهی انداخت.

پس از این نگارنده به علت حصر مذاهب در چهار مذهب فعلی اشاره نموده است و علل ذیل را سببهای انحصار می‌شمرد:

۱. تدوین مذهب: وقتی مذهب تدوین شود و به‌طور گسترده در بلاد اسلامی منتشر گردد، احتمال بقای آن بیشتر است.
۲. شاگردان متعصب.
۳. نقش زمامداران.

#### دوره چهارم: عصر رکود فقهی

این دوره از اواسط قرن هفتم آغاز و تا اواخر سده سیزدهم ادامه داشت و در واقع ادامه دوره قبل است. در همین دوره است که مسلمانان از غرب مورد حمله صلیبیون و از شرق تحت سیطره مغول قرار می‌گیرند.

تنها ویژگی این دوره حکومت تفکر تقلیدی بود. دوره پنجم: عصر بازگشت تلاش فقهی شروع این دوره با تأسیس دولت عثمانی در قرن سیزدهم صورت پذیرفت.

مهم‌ترین ویژگیهای این دوره عبارتند از:

۱. فعال شدن مجمعهای فقهی و تألیف و تدوین کتابهای فقه حنفی.
۲. پیدایش مجله الاحکام العدلیه و تدوین قوانین عام مدنی برای دادگاهها.

#### دوره ششم: عصر بیداری و احیای مجدد باب اجتهاد

اگرچه شروع حرکت جدید فقهی از ابتدای قرن سیزدهم و با انتشار مجله الاحکام شروع گردید، ولی سالیان طولانی مجامع فقهی در محدوده مذهب حنفی بود تا آنجا که جمعی از اندیشمندان اهل سنت این حصر را شکستند و سایر مذاهب اربعه را نیز به این حلقه وارد ساختند. گام بعدی آن شد که در قانونگذاری بتوان به جز از مذاهب اربعه نیز استفاده کرد. در دسامبر ۱۹۳۶ میلادی، هیأت وزیران مصر موافقت کرد که قانون فقه با استفاده از فقه اسلامی و بدون تقلید به مذهب خاص تدوین شود. جالب آنکه برخی فقهای اهل سنت آرا و فتاوی شیعه را در برخی از مسائل پذیرفتند و حتی شیخ محمود شلتوت (رئیس الازهر) در طی فتوایی اعلام نمود: «مذهب جعفری که مذهب شیعه امامیه اثنا عشری معروف است، مذهبی است که تعبیر به آن شرعاً، همانند تعبیر سایر مذاهب اهل سنت، جایز است» (۱۸).

#### ویژگیهای دوره ششم:

۱. شروع نهضت اصلاح طلبی در ارتباط با فقه و خروج اجتهاد از انحصار فقه حنفی و بهره از سایر



مذاهب.

۲. گسترش نهضت اصلاح طلبی و استفاده از آرای همه فقها و مجتهدان مذاهب اسلامی.

## فصل ۶- منابع استنباط از دیدگاه فقهی اسلام

این فصل به دو بخش منابع اصلی و مورد اتفاق و منابع مورد اختلاف در استنباط تقسیم گردیده است.

### منابع اصلی و مورد اتفاق در استنباط

**الف. قرآن مجید:** اساسی‌ترین و مهمترین مأخذ احکام خداوند، قرآن است. مولف پس از ذکر این مطلب به مقولاتی از قبیل: «قرآن کلام خداست»؛ «تحریف ناپذیری قرآن» و «حجیت نصوص و ظواهر قرآن» می‌پردازد.

**ب. سنت:** دومین منبع استنباط به اتفاق تمامی فقه‌های جهان اسلام، سنت است. سنت در اصل عبارت است از آنچه به جز قرآن از نبی اسلام صادر شده باشد. شیعیان سنت را به امامان اهل بیت، تعمیم داده‌اند.

پس از تعریف فوق به مباحثی مانند برخی از مناقشات نسبت به حجیت سنت امامان اهل بیت(ع)؛ سنت صحابه، شیوه‌های دستیابی به سنت؛ مباحث مشترک کتاب و سنت پرداخته شده است.

**ج. اجماع:** سومین دلیل برای استنباط احکام، اجماع است. این دلیل از دیدگاه اهل سنت بسیار مهم است، ولی از دیدگاه امامیه، اجماع دلیل مستقلی بر حکم شرعی اطلاق نمی‌گردد، مگر از آن جهت که کاشف از رأی معصوم است.

**د. دلیل عقل:** چهارمین منبع استنباط که اجمالاً مورد اتفاق است، دلیل عقل است. در میان اهل سنت دو شیوه متمایز در استنباط وجود دارد که آنان را با دو عنوان «اصحاب حدیث» و «اصحاب رأی» از هم جدا می‌سازد. تکیه گروه اول در استنباط، ادله نقلی است، ولی گروه دوم معتقدند که تعداد احادیث معتبری که بتواند جوابگوی همه نیازهای فقهی باشد، بسیار کم است.

در مورد شیعه هم آنچه مسلم است، این است که عقل را به عنوان یکی از ادله استنباط، به ویژه از دیدگاه علمای متأخر، قبول دارد.

نگارنده پس از بیان فوق، به بحث در ارتباط با حجیت دلیل عقل و نزاعهای پیرامون آن می‌پردازد.

### منابع مورد اختلاف در استنباط

#### ۱. قیاس

سرایت دادن حکمی از موضوعی به موضوع دیگر

را قیاس گویند که دارای چهار قسم است: قیاس منصوص‌العله؛ قیاس اولویت؛ قیاس همراه با تنقیح مناط و قیاس مستنبط‌العله. قیاس در سه قسم اول نزد تمام علما حجت است. قسم چهارم از نظر جمهور اهل سنت حجت است، خصوصاً پیروان امام ابوحنیفه به قیاس اعتماد فراوانی دارند. ولی شیعه این قیاس را قبول ندارد، از اهل سنت نیز، نظام و تابعان او، گروه ظاهریه و برخی از معتزله قیاس را باطل دانسته‌اند.

سپس مؤلف به نقد ادله حجیت قسم چهارم از قیاس می‌پردازد.

#### ۲. استحسان

تعریفهای مختلفی از استحسان شده است. برخی گفته‌اند: استحسان عبارت است از دلیلی که در ذهن مجتهد ظهور می‌کند و عبارتی مناسب برای آن نمی‌یابد.

استحسان از نظر امام ابوحنیفه حجت است و به امام مالک و حنبلیه هم نسبت داده شده است. عده‌ای از اهل سنت، به‌ویژه امام شافعی و برخی از حنفیه و همچنین امامیه و زیدیه و ظاهریه، حجیت آن را انکار کرده‌اند.

#### ۳. مصالح مرسله

این اصطلاح در مورد مصالح و مضارّی به کار می‌رود که خطاب خاص یا عامی در مورد آنها نیامده است، ولی از مذاق شرع به دست می‌آید. در حقیقت مصالح سه قسم است. ۱. مصالح معتبره ۲. مصالح ملغی ۳. مصالح مرسله: مصالح مرسله مصالحی است که از الفا یا اعتبار شرعی آزاد است. (۱۹)

در حجیت مصالح مرسله سه قول است: مالک مطلقاً آن را حجت می‌داند و جمهور اهل سنت منکر حجیت آن هستند و حتی عده‌ای از مالکیه، حجیت آن را از مالک نیز بعید شمرده‌اند. امامیه نیز حجیت مصالح مرسله را منکر است.

#### ۴. سد و فتح ذرایع

این اصطلاح در میان اهل سنت رایج است. آنان می‌گویند از آنجا که جلب مصالح و دفع مفسد لازم است و برخی از افعال حرام شده‌اند مانند: سرقت و زنا، و برخی از افعال نیز مورد حرمت قرار نگرفته‌اند، ولی از آنجا که منجر به حرام می‌شوند، شارع آنها را تحریم کرده است مانند خلوت با زن اجنبی.

نگارنده پس از بررسی سد و فتح ذرایع به این نتیجه می‌رسد که: مسأله سد و فتح ذرایع منبع، تازه‌ای برای استنباط احکام نیست؛ بلکه جزئی از حکم قطعی عقل است.

در پایان مصنف به بحث و بررسی درباره تعارض ادله می‌پردازد.

پس از رشد و بالندگی فقه امامیه حرکتی به نام اخباری‌گری و نادیده انگاشتن عقل در طریق استنباط آغاز شد، اخباری‌گری برای عقل هیچ وزن و جایگاهی قائل نبود و بر اجتهاد و تقلید نیز خط پطلان کشید و آن را راه خطا شمرد. پرچمدار این حرکت محمد امین استرآبادی شاگرد میرزا محمد استرآبادی است. که در ادامه افکار وی آورده شده است. من جمله حجیت کتاب‌الله و نیاز به بررسی نداشتن همه روایات کتب اربعه سخت‌گیری جمعی از فقها در امر حدیث و توجه بیشتر به عقل و استدلال‌ات عقلی از مهم‌ترین علت پیدایش این تفکر دانسته‌اند





اگرچه شروع حرکت جدید فقهی از ابتدای قرن سیزدهم و با انتشار مجله الاحکام شروع گردید، ولی سالیان طولانی مجامع فقهی در محدوده مذهب حنفی بود تا آنجا که جمعی از اندیشمندان اهل سنت این حصر را شکستند و سایر مذاهب اربعه را نیز به این حلقه وارد ساختند. گام بعدی آن شد که در قانونگذاری بتوان به جز از مذاهب اربعه نیز استفاده کرد. در دسامبر ۱۹۳۶ میلادی، هیأت وزیران مصر موافقت کرد که قانون فقه با استفاده از فقه اسلامی و بدون تقلید به مذهب خاص تدوین شود

## فصل ۷- عدم خلأ قانونی در اسلام

این فصل در پاسخ به این سؤال نگارش یافته است: با توجه به تحولاتی که در زندگی انسان و نیازهای او در طی سده‌ها و اعصار پیدا می‌شود و با عنایت به حوادث بی‌شماری که برای انسان پیش می‌آید، چگونه قوانین ثابت و محدود شرعی، می‌تواند پاسخگوی این نیازها باشد؟

نگارنده برای پاسخ به این پرسش به تبیین برخی از مفاهیم از جمله موارد ذیل می‌پردازد:

### ۱. تعریف حکم و اقسام آن:

حکم شرعی به دستوراتی گفته می‌شود که از سوی پروردگار برای زندگی مادی یا معنوی بشر صادر شده است. به نظر مصنف، اقسام حکم عبارتند از: حکم اولی، حکم ثانوی و حکم حکومتی.

۲. قوانین ثابت و متغیر و تأثیر زمان و مکان: (در این باره در فصل نهم بحث خواهیم نمود)

۳. افتتاح باب اجتهاد (در این باره نیز در فصل هشتم بحث و بررسی خواهد شد)

### آیا خلأ قانونی وجود دارد؟

نگارنده پس از تبیین موارد سه گانه یاد شده به پاسخ این پرسش می‌پردازد و می‌نویسد: مذاهب اسلامی پاسخهای مختلفی به این سؤال داده‌اند؛ بسیاری از علمای اهل سنت معتقد به وجود خلأ قانونی هستند؛ این در حالی است که فقهای امامیه عموماً قائل به عدم وجود خلأ قانونی می‌باشند. به تعبیر نگارنده مسئله امامت امامان اهل بیت (ع) بن بست خلأ قانونی را برای فقهای امامیه شکسته است.

مصنف محترم پاسخ به این سؤال که چگونه در اسلام هیچ‌گونه خلأ قانونی وجود ندارد؛ در حالیکه با گذشت زمان مسائلی پیدا شده که در سابق موضوعات آنها وجود نداشته است چه رسد به حکم. آنها را به بحث پیرامون مسائل مستحدثه ارجاع می‌دهد (مسائل مستحدثه در فصل پانزدهم مطرح خواهد شد).

### پی‌نوشتها:

۱. رک: مقاله جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مجله فروغ وحدت، شماره نهم، پائیز ۱۳۸۶، ص ۴.

۲. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، ص ۹۳۹.

۳. دایره‌المعارف فقه مقارن، ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۴.

۴. همان.

۵. حیات پیربرکت (زندگی‌نامه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی) نوشته احمد قدسی، صص ۹۵-۱۰۷ و نیز ص ۴۹.

۶. همان و مقدمه کتاب القواعد الفقهیه اثر آیت‌الله مکارم شیرازی.

۷. همان.

۸. صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری، ماده «فقه»

۹. قاموس اللغة، فیروزآبادی، ماده «فقه»

۱۰. مصباح المنیر، الفیومی، ماده «فقه»

۱۱. دایره‌المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۳۱.

۱۲. همان، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸.

۱۳. شرح جمع الجامع للمحلی، جلال‌الدین محمد بن احمد المحلی، ج ۱، ص ۳۲.

۱۴. ر.ک: عده الاصول، ج ۱، ص ۲۱؛ معالم‌الدین، ص ۳۳؛ الاصول العامه للفقهاء المقارن، ص ۱۵.

۱۵. ذاریات، ۵۶.

۱۶. دایره‌المعارف فقه مقارن، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸.

۱۷. مجله فقه اهل بیت، سال اول، بهار ۱۳۷۴، شماره ۱، ص ۴۱، مقاله روند آتیه اجتهاد، از شهید صدر، به نقل از دایره‌المعارف فقه مقارن

۱۸. مجله رساله الاسلام، سال یازدهم شماره ۱، ص ۱۰۸؛ دایره‌المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۱۵۰.

۱۹. اصول الفقه الاسلامی، محمد ابوزهره، ص ۲۸۶؛ دایره‌المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۲۰۲.

### فهرست منابع و مآخذ:

۱. عده الاصول، شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۳ ق.

۲. الاصول العامه للفقهاء المقارن، سید محمد تقی حکیم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق.

۳. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.

۴. حیات پیربرکت، احمد قدسی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۸۴.

۵. القواعد الفقهیه، ناصر مکارم شیرازی، منشورات دارالعلم، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق.

۶. جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی، عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مجله فروغ وحدت، شماره نهم، پاییز ۱۳۶۸.

۷. فلسفه حقوق، ناصر کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.

۸. انوار الاصول، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، ۱۴۱۶ ق.

۹. دایره‌المعارف فقه مقارن، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، ج اول، نشر مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۸۵.

۱۰. اصول الفقه الاسلامی، محمد ابوزهره، دارالفکر العربی، ۱۳۷۷ ق.